

سالهای ناصر خسرو

ناصر خسرو در سفرنامه و در چند مورد تاریخ هجری را با تاریخ یزدگردی تطبیق می دهد و از تاریخ یزدگردی یا نامهای سال و ماه "پارسیان" ، "قدیم" ، "تاریخ عجم" ، " یزدگردی" و "تاریخ فرس" یاد می کند .

نخستین بار س.ح. تقی زاده آزمایشی از این تاریخ ها را چاپ کرد (۱) . من نیز آنها را آزموده و به نتایجی رسیده ام که با نتایج تقی زاده تفاوت دارد . در این یاد داشت هم آن آزمایش را گزارش می کنم و هم میخواهم سوآلی را مطرح کنم و به آن پاسخ دهم .

سوآل این است که آیا ناصر خسرو به صرف آشنائی شخصی با تاریخ یزدگردی آن را متذکر شده است و یا این که در سفر خود در آن نواحی که تاریخ یزدگردی معمول بوده است ، آن را با تاریخ عمومی قمری تطبیق داده است ؟

مواردی که در آنها تطبیق کامل و قابل محاسبه دقیق هست چنین است .

۱- پنجشنبه ششم جمادی الاخر سنه سبع و ثلثین و اربعمائه نیمه دی ماه پارسیان سال بر چهار صد و ده یزدگردی .

۲- پنجم محرم سنه ثمان و ثلثین و اربعمائه دهم مرداد ماه سنه خمس عشر و اربعمائه از تاریخ فرس .

۳- بیستم صفر سنه ثمان و ثلثین و اربعمائه به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور ماه قدیم بود .

۴- پنجشنبه هفدهم ربیع الاول سنه اربع و ثلثین و اربعمائه و در ایام مسترقه بود .

۱- ح . تقی زاده ، گاهشماری در ایران قدیم ، تهران ، ۱۳۱۶ ، ص ۳۰۱

۵- روز آدینه بیست و پنجم جمادی الاخر سنه ثمان و ثلثین و اربعمائیه به حران رسیدیم دوم آذر ماه قدیم بود .

۶- شنبه دوم رجب سنه ثمان و ثلثین و اربعمائیه به سروج آمدیم ، دوم روز
اول بهمن ماه قدیم بود (۱) .
حال نتیجه رسیدگی به این تاریخ ها .

نخستین تاریخ دواشتباه دارد . یکی این که بجای سال چهارصدوده باید چهارصد و چهارده باشد . مرحوم غنی زاده (ذیل صفحه ۳) این اشتباه را متذکر شده اما چون حساب نمیدانسته متوجه نشده که کدام یک از دو سال چهارصدوده یا چهارصد و چهارده صحیح است . ظاهراً " رونویسگران " چهار " دوم را از قلم انداخته اند . ثانیاً " ششم جمادی الاخر در سال ۴۳۷ برابر دهم دی ماه است اگر خمرسه مسترقه در پایان سال باشد و میتواند مطابق پنجم دی ماه باشد اگر خمرسه را در آخر آبان بگیریم . " دهم " و " پنجم " هر دو میتوانند تصحیف شوند و به صورت " نیمه " در آیند . بنابراین تنها این مساله باقی می ماند که در محل مورد نظر ناصر خسرو مربوط به این تاریخ ، رسم چگونه بوده است . با دلایلی که خواهیم آورد روشن میشود که پنجم دی ماه صحیح است .

در سومین حساب یک اشتباه وجود دارد و آن این که بیستم صفر سال ۴۳۸ برابر بیست و پنجم شهریور ماه قدیم است نه پنجم . کتاب قسمت " بیست و " را جا انداخته اند .

چهارمین حساب کاملاً " صحیح و تاریخ دقیق زلزله تبریز است . هفدهم ربیع الاول ۴۳۴ هجری مطابق چهارم مسترقه پس از آبان است . از آنجا که در موارد دیگر سالهای ناصر خسرو ، حساب بر اساس خمرسه در آخر سال درست درمی آید ، باید پذیرفت که در تبریز پنجه دزدیده را در پایان آبان ماه میگرفته اند این قرینه ای است برای این که ناصر خسرو تابع حساب محلی بوده و بصرف اطلاع

۱- سفرنامه ناصر خسرو ، چاپ برلین (غنی زاده) ، ۱۳۴۱ هجری قمری به ترتیب صفحات ۳ ، ۵ ، ۷ ، ۸ ، ۱۳ ، ۱۴ .

شخصی تقویم یزدگردی را ذکر نمی‌کند. به همین دلیل در حساب اول پنجم دیماه صحیح است.

در پنجمین تاریخ عینا " اشتباه سومین تاریخ تکرار شده است و کتاب قسمت " بیست و " را جا انداخته‌اند. یعنی جمعه ۲۵ جمادی الاخر برابر بیست و دوم آذرماه چهارصد و پانزده یزدگردی است و نه دوم آذر ماه. در یکی از نسخه بدل ها " بیست و دوم " آمده که صحیح است (حاشیه صفحه ۱۳ کتاب).
آخرین تاریخ صحیح است ولی فهم آن اندکی اشکال دارد. ناصر خسرو نوشته است. " شنبه دوم رجب به سروج آمدیم . دوم روز
اول بهمن ماه قدیم بود ". در بدو امر انسان خیال می‌کند که مقصود از دوم روز همان دوم رجب است (چنانکه تقی‌زاده فکر کرده) و حال آن که مقصود روز دوم رسیدن به سروج یعنی یکشنبه سوم رجب است که مطابق اول بهمن ماه قدیم است.

همه مواردی که ناصر خسرو ذکر کرده مربوط به سرزمین‌هایی است که فرهنگ ایرانی در آنها سخت نفوذ داشته است، از بلخ تا قفقاز، بین النهرین و شام. به محض این که ناصر خسرو از سرزمین‌های قوم ایرانی دور می‌شود دیگر تاریخ یزدگردی را متذکر نمی‌گردد و این خود یکی از دلایل شیوع تاریخ یزدگردی در قرن پنجم در همه سرزمین‌هایی است که تحت تسلط فرهنگ ایرانی بوده و ناصر خسرو آنها را دید داشته است. دورترین شهرهایی که او ذکر آنها اشاره به تاریخ یزدگردی می‌کند، ارزن، آمد، حران و سروج (۱) یعنی نزدیکی حلب است و پس از این است که دیگر نامی از تاریخ یزدگردی نمی‌آورد.

حال باید به دنبال شواهد دیگری درباره شیوع این تقویم بود، زیرا که به صرف سخنان ناصر خسرو نمیتوان این تقویم را در آن روزگاران شایع دانست. پیش از ناصر خسرو در نیمه قرن چهارم هجری حمزه اصفهانی مورخ

۱- سفرنامه ناصر خسرو (همان جا) به ترتیب صفحات ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۴

نیز چندین بار این تاریخ را یاد آور میشود (۱). در آثار ابوریحان ، انوری ، تاریخ رویان اولیاء اللہ ملی ، تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ، تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظہیرالدین مرعشی ، المسائل قصرانی ، القرانات ابن ابی طاهر ، اخبار البلدان ابن الفقیہ ہمدانی ، الوافی بالوفیات صفدی ، در کتابی سریانی از ابن العبری و در بسیاری از زیج ها و کتابهای تاریخ (۲) نشانه هائی (گاه بسیار) از شیوع تاریخ یزدگردی دیده میشود که در پراکندگی جغرافیائی محل زندگی نویسندگان این آثار به هیچ ترتیب نمیتوان تردید داشت .

این نوع تاریخ در سر زمین گیلان لااقل تا عصر عبدالفتاح فومنی (قرن یازدهم) شایع بوده و او از رسم مردم گیلان و عیدآب پاشان (تیرگان یزدگردی) سخن میدارد (۳). شاه عباس عیدآب پاشان را جشنی مفصل می آراسته است . در مازندران هنوز تقویم یزدگردی در قصبات و نواحی کوهستانی معمول است و گزارش های بالنسبه فراوان در مورد آن داریم (۴).

هنوز در اطراف اصفهان ، یزد ، کاشان و کرمانشاه (از پائین طاق تا قصر شیرین) مردم پنج روز مانده به نوروز را پنجه می نامند و جالب این که به مزار مردگان میروند و خیرات و مبرات می کنند که یادگاری است از بودن خمسه مسترقه یزدگردی در پایان سال و فروردگان یزدگردی . در واقع بامتروک شدن تقویم یزدگردی جشن های آن با سال شمسی رایج گرفته شده است (۵).

در جنوب ایران چه سواحل شمالی و چه جنوبی دریا تا شرق هندوستان

۱- حمزه اصفهانی ، سنی ملوک الارض و الانبیا چاپ برلین صفحات ۱۵۲ تا ۱۵۴ و ۱۷۶ .

۲- برخی از این موارد را س.ح. تقی زاده در صفحات ۳۰۱ به بعد کتاب گاهشمار در ایران قدیم آورده است . بقیه موارد را نگارنده چنانکه در این مقاله دیده میشود پس از این بررسی و منتشر خواهد کرد .

۳- ملا عبدالفتاح فومنی ، تاریخ گیلان ، دکتر منوچهر ستوده ، تهران ۱۳۴۹ ص ۲۰۶

۴- آخرین گزارش دقیق . عوض فرض الله پورماچینی ، "زبان و فرهنگ ماچیان" در مجله دانشکده ادبیات تبریز سال ۱۶ شماره ۳ صفحه ۲۹۰ به بعد .

۵- موارد بالا را نگارنده خود با سفر تحقیق کرده است .

نوعی سال شماری وجود دارد که مبداء آن را در تمام این نواحی یعنی حتی در هندوستان "نوروز دریائی" می نامند. این نوع سال را دریانوردان به کار میبرند. تا به حال تصور این بوده است که این سال شماری نوعی تقویم خورشیدی است. حتی خود من هنگام کمک به حل آن، در کتاب دوست عزیز اسماعیل راین (۱) همین تصور را داشتم. اما با سفری که به جنوب کردم و پس از بررسی روشن شد که همان تقویم یزدگردی است که با مقتضیات دریا هماهنگ شده است. به طور خلاصه در مورد آن باید گفت که مبداء سال ثابت نیست و چهار سال یک روز عقب می رود. در سال ۱۳۵۳ مبداء آن مطابق هفتم مرداد بود. این نوع سال دوازده ماه ندارد و آن را به سه بخش صد روزه و یک بخش شصت روزه و پنج روز اضافی تقسیم کرده اند. این تقسیم بندی مطابق مقتضیات دریا است زیرا که اغلب بادهائی که در دریا می وزد و با کار دریانوردان ارتباط دارد ۱۲۰ روزه، ۹۰ روزه و نظیر آن است و بنابراین ثبت موسم آنها با حسابهای دهگانی و صدگانی علمی تر و آسانتر است تا با ماهها (۲).

دریا نوردان آغاز سال دریائی را جشن می گیرند. به دریای روند، آب تنی می کنند و گاوها را با هم جنگ می اندازند.

از آنجا که اکنون طوفانهای دزیای هند مصادف با خمه مستر قه دریائی است، آن روزها را برای کار مناسب نمی دانند و همه دریانوردان قبل از آن روزها به موطن خود برمی گردند تا پس از آن، سال نو را از زادگاه خود حرکت کنند. در کردستان شمالی نیز تقویم یزدگردی معمول بوده و در پنجاه سال اخیر از بین رفته است. اما سقانه نوشته و مدرکی که بتواند حاکی از وجود سال یزدگردی در بین مردم کردستان باشد نداریم اما در ترانه های محلی چیزهائی دیده شده که نشانه هائی از آن دارد. همچنین برخی از اعیاد آن در نواحی دور افتاده

۱- اسماعیل راین، دریانوردی ایرانیان، تهران ۱۳۵۰ ج ۱، ص ۵۰۶ به بعد
 ۲- این مورد را نیز نگارنده تحقیق کرده و حاصل این تحقیقات در کتابی به نام "تقویم های محلی در ایران" جمع خواهد شد.

کردستان معمول است (۱) .

در چنین شرایطی که نشانه‌های تقویم یزدگردی هنوز در طبرستان ، سواحل جنوب و کردستان وجود دارد ، بدیهی است که در زمان ناصر خسرو در همه ایران و سرزمینهایی که تحت تسلط فرهنگ ایرانی بوده است آن را می‌شناخته‌اند. این سال‌شماری در زمان ساسانیان مقدس‌ترین نوع بوده است و به همین دلیل بعد از ده‌ها سال در ایران باقی مانده است و گرنه صرف اشتراک نام آن با یزدگردشهریار و بدون وجود پشتوانه رسمی برای اجرا و مرسوم داشتن آن ، نمیتواند دلیل رواج آن در نقاط مختلف ایران و حتی خاور میانه باشد .

هیچ مدرکی به طور قطع و یقین دلیل شیوع این سال‌شماری در سراسر ایران و نواحی دیگر نیست . نوشته‌های عالمانه‌ای که به آنها اشاره شد (مثل آثار ابوریحان) بطور قطع و یقین دلالتی بر شیوع چنین نوع سال‌شماری در محلی که آن کتابها نوشته شده‌اند ندارند ، زیرا ممکن است که آن دانشمندان صرفاً " با این نوع تقویم آشنائی داشته باشند و آن را در آثار خود آورده باشند .

تنها شاهی که برای شیوع آن داریم سفرنامه ناصر خسرو است که خوشبختانه در این زمینه کتاب تخصصی نیست و نویسنده آن نیز چه از جهت علمی و چه از جهت علائق مذهبی بستگی تام و تمامی با آن ندارد . او است که تا سرحد نفوذ فرهنگ ایرانی یعنی تا شام و حلب وقایع را هم با سال قمری و هم با سال یزدگردی گزارش کرده است .

در واقع ناصر خسرو از دو نوع شایع‌ترین تقویم‌ها استفاده کرده است . اول تقویم هجری که در عالم اسلام شایع بوده و دوم تاریخ یزدگردی که در یکی از وسیع‌ترین و یک پارچه‌ترین حوزه‌های نفوذ اسلام یعنی منطقه تسلط فرهنگ ایرانی رایج بوده است .

۱- این نواحی را نیز نگارنده در سفر مطالعه کرده و نتیجه را در همان کتاب خواهد آورد .